

دریچه ای به سوی تفسیر قرآن

جمهوری ۲۴ شهریور ۸۶

سیری در کتاب ارزنده «مدخل التفسیر» آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رضوان الله علیه)

محمد کاظم تقوی

علی رغم اینکه عالمان و فقیهان بزرگ قریب العصر به عصر حضور ائمه معصومین (علیهم السلام) از جامعیت تحسین برانگیزی در رشته های گوناگون علوم اسلامی برخوردار بودند و در عرصه های تفسیر حدیث کلام فقه اصول و... دارای آثار علمی ارزنده و ماندگاری بودند که به عنوان نمونه بزرگانی مانند شیخ مفید (ره) سیدمرتضی (ره) و شیخ الطائفه طوسی (ره) و آثار متنوع و فراوان آنان گواه بلیغی برای این مدعا می باشد اما آن جامعیت با فاصله گرفتن از عصر عصمت و نیز با گستردگی علوم و دانش های اسلامی به لاغری گرایید؛ تا جایی که حوزه های علمیه شیعه بیشتر به دانشکده فقه و اصول می مانست و آثار علمی متاخرین بزرگوار بطور عمده در رشته فقه و اصول پدید آمد.

در این بین با تلاش های احیاگرانی اصل بصیرت و مسئولیت شناسی گرد مهجوریت از قرآن در کنار توجه به علوم عقلی و بها دادن به دانش های ارزنده ای چون فلسفه و عرفان و نیز کلام دستاورد ارزنده ای گردید. مفسر عالیقدر قرآن علامه طباطبائی (ره) کمر به احیای قرآن بست و علم فراموش شده تفسیر قرآن را بسط داده و «المیزان» را نه تنها به حوزه ها و جامعه شیعی که به عالم اسلام و بلکه عالم بشریت عرضه کرد.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدس سره) یکی از شاگردان درس های تفسیر آن بزرگ بود که در کنار اهتمام و اشتغال مستمر به فقه آل محمد (ع) و پدید آوردن دایره المعارف «تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله» که شرحی بر یکی از آثار فقهی امام خمینی است همواره عشق و علاقه ویژه ای به قرآن داشت. شاگردان محضر استاد بزرگوار خوب به یاد دارند که ایشان وقتی سال تحصیلی رسمی حوزه ها پایان می یافت طلاب و فضلا را سفارش می کردند که تابستان بر روی دو موضوع مطالعه و تحقیق داشته باشند؛ یکی تفسیر قرآن و دیگری قواعد فقهیه. ایشان علاقه خود به این دو رشته ارزنده را با تالیف آثاری بیشتر نشان دادند «القواعد الفقهیه» و کتاب شریف «مدخل التفسیر» این مرجع فقیه شیعه نه تنها پیرامون قرآن مدخل التفسیر را نوشتند که همواره

آرزو می کرد با فراغت از تالیف تفصیل الشریعه توفیق تالیف تفسیر قرآن را پیدا کند. همچنانکه در مباحث فقهی و اصولی وقتی بحث های قرآنی و آیات الاحکام مطرح می شد با موشکافی های اعجاب آور و تدبیرهای عمیق گوهرهای فراوان و بکری از اقیانوس معارف و احکام الهی صید می کرد.

در این ماه قرآن و شهر صیام گزارشی از محتوای مباحث کتاب «مدخل التفسیر» تقدیم شما قرآن دوستان و متمسکین به قرآن و عترت می شود.

ترجمه عناوین اصلی کتاب بدین قرار است :

۱ - حقیقت معجزه ۲ - وجوه اعجاز قرآن ۳ - شبهات مربوط به اعجاز قرآن ۴ - قاریان قرآن و قرائت ها ۵ - اصول تفسیر ۶ - عدم تحریف قرآن ۷ - شبهات مربوط به تحریف

فقیه اهل بیت حضرت آیت الله العظمی فاضل در تعریف معجزه می گوید :

« معجزه در اصطلاح آن چیزی است که مدعی منصبی از مناصب الهی آن را انجام می دهد و کار او عادت نوع بشر را پاره می کند و قوانین و نوامیس طبیعی را پشت سر می گذارد و از حدود توانایی بشری بیرون است همچنانکه از قواعد و قوانین علمی - هرچند ظریف و باریک باشند - بیرون است و نیز از ریاضات عملی - هرچند دارای اثر باشند - خارج است ؛ البته به شرط اینکه پس از مبارز طلبیدن معارض و مخالفی برایش پیدا نشود. »

از نظر مولف مولفه های معجزه اصطلاحی این محورها می باشند :

۱ - اینکه آوردن معجزه به همراه ادعایی باشد .

۲ - آن ادعا عبارت از منصبی از مناصب الهی مانند نبوت و سفارت باشد .

۳ - اینکه آن ادعا فی نفسه قابل صدق و کذب باشد .

۴ - آن معجزه خارق العاده و بیرون از حدود توانایی بشری باشد . و البته در این مولفه معجزه اشاره به این معنا است که محال است معجزه برخلاف قواعد عقلیه باشد چرا که قواعد عقلیه قابل تغییر نیستند و نمیتوان آنها را نادیده گرفت .

۵ - آوردن معجزه به همراه مبارز طلبیدنی باشد که به دعوت مردم مبنی بر انجام دادن مانند آن معجزه است - اگر

بتوانند - و این یعنی آورنده معجزه می خواهد بگوید مردم از آوردن مانند این معجزه ناتوان می باشند.

۶ - معجزه باید بدون معارض باشد چرا که اگر معارضی پیدا کند دیگر نمی تواند دلالتی بر صدق مدعی داشته باشد .

۷ - باید میان ادعا و عمل مدعی هماهنگی و تطابق باشد و لازم است آنچه انجام می گیرد در راستای ادعای مدعی باشد .

مولف محقق درباره حقیقت معجزه به این نکته اشاره می کند که : ظاهرا اعجاز تصرف در قانون اسباب و مسببات عادی و نیز تخصیص مانند این حدیث که « خدای متعال اجازه نمی دهد هیچ کاری خارج از مجرای اسباب و علل انجام شود » نمی باشد بلکه تصرف از نظر زمان و الفا تدریج و تدرج می باشد. مثل سبز شدن درخت در غیر فصل بهار. و این اصل ادعای مادیون در انکار معجزه را پاسخ می دهد چرا که معجزه برخلاف قانون علیت نیست زیرا قاعده علیت مفادش این است که هر چیز ممکنی نیازمند به علت است ؛ اما اینکه آن علت باید مادی باشد یا نه امر دیگری است و از اصل قانون علیت خارج است .

از دیدگاه مولف فقیه مدخل التفسیر بر پیامبر خدا لازم است برای نشان دادن حقانیت خود معجزه بیاورد و قول به عدم لزوم معجزه نظر درستی نیست و این مسئله از مسلمات عقلیه است چرا که اگر بر پیامبر آوردن معجزه لازم نباشد تفاوتی میان پیامبر صادق و پیامبر کاذب باقی نخواهد ماند.

و البته باید توجه داشت که معجزه آوردن به این معنا نیست که این امر پیرو درخواست و نظر مردم و مطابق هوای نفس آنها باشد. زیرا معجزه یک کار الهی است و پیامبر خدا در آن هیچ اراده و اختیاری از خود ندارد بلکه با اراده الهی عمل می کند.

ایشان در چگونگی دلالت معجزه بر صدق مدعی پیامبری می گویند : از آنجائی که به گمراهی انداختن مردم عقلا کاری قبیح و نکوهیده و ناپسند است چنین عملی از خدای حکیم نشاید. بنابراین جز از راه معجزه از راه دیگری نمی شود پیامبری را تصدیق کرد چون از نظر عقلا این مطلب تنها از این راه تصدیق شدنی است .

در فصل « وجوه اعجاز القرآن » می خوانیم : آیات دربردارنده « تحدی » دلالت بر معجزه بودن قرآن دارند و

مقتضای این آیات این است که هر سوره ای از سوره های قرآن - چه طولانی و چه کوتاه - معجزه باشد.

ذیل عنوان « قرآن معجزه جاودانه » می خوانیم : اینکه قرآن عزیز معجزه یگانه و جاودانه (پیامبراسلام) است حقیقتی است که نه تنها هیچ مسلمانی در آن شک نمی کند که هر فردی که کمترین ارتباط با ادیان داشته باشد به آن پی می برد و بدان اذعان می کند و باید نیز چنین باشد زیرا پس از آنکه دین اسلام دین دائمی و جاودانه بشر گردید و شریعت محمدیه لباس خاتمیت را بر تن نمود چاره ای نیست از اینکه باید برای بقا آن دلیل و برهانی باشد زیرا نبوت و سفارت الهی همانطوری که در آغاز خود به معجزه نیاز دارند همینطور در استمرار و بقا خود نیز به این مطلب نیاز دارند.

از نظر مولف بزرگوار مدخل التفسیر اعجاز قرآن به وجه خاصی منحصر نشده است بلکه معجزه بودن قرآن از زوایا و منظرهای گوناگون می باشد چرا که افراد بشر و طبقات مردم از نظر تحصیل کمالات علمی گوناگون با هم فرق دارند و علوم و دانش ها نیز گستره وسیعی دارند. از این روی قرآنی که هدف از انزال آن هدایت همه مردمان و خارج کردن آنها از تاریکی ها و بندگی ها به نور و روشنائی بود اختصاص به مردم عصر خاصی ندارد و از سوی دیگر کتابی است دربردارنده تمامی کمالات معنوی فضائل روحی قوانین عملی و قانون اساسی های کامل دنیوی ؛ زیرا دربردارنده اصول اعتقادی مطابق فطرت سالم انسانی فضائل اخلاقی قوانین شرعی داستانها و سرگذشت های پیشینیان و نیز حوادث آینده می باشد. همچنانکه از تمامی موجودات زمینی و هوایی و همه حالات و عوامل و هر آنچه در سعادت انسان در دنیا و آخرت تاثیر دارد سخن گفته است . نتیجه این می شود که چگونه چنین کتابی - که مانند آن کتابی وجود ندارد - اعجازش تنها از یک جهت و زوایه باشد ! در حالی که کتابی است برای همه بشر بلکه شامل احوالات اجنه نیز هست .

تحدی به « کسی که قرآن بر او نازل گردیده است تحدی به عدم اختلاف و سلامت و استواری متن و محتوای قرآن تحدی به اینکه قرآن بیان کننده همه چیز است تحدی به خبر دادن از غیب و تحدی به بلاغت قرآن وجوهی از تحدی قرآن این معجزه جاودانه پیامبر عزیز اسلام (ص) است که در کتاب موردبحث و بررسی و شرح و تفصیل قرار گرفته است . قرآن و معارف اعتقادی قرآن و قوانین تشریحیه و قرآن و اسرار و رموز آفرینش نیز به عنوان وجوه

اعجاز قرآن به تفصیل مورد بحث قرار گرفته اند.

در بخش پاسخ به شبهات مربوط به اعجاز قرآن هفت شبهه مطرح و پاسخ آنها داده شده است .

در فصل مربوط به « قرا » و « قرات » بحث های :

۱ - ادعای تواتر قرات ۲ - حجیت و اعتبار قرات ۳ - جواز قرات به قرات در نماز مورد بحث و بررسی قرار

گرفته است .

بحث دیگر که اهمیت و جایگاه خاصی در قرآن شناسی و تفسیر قرآن دارد بحث « اصول تفسیر » است و بررسی این موضوع که تفسیر قرآن و تبیین و کنکاش پیرامون سخن خداوند متعال باید بر چه اساس و معیار و ملاکی باشد.

حضرت آیت الله العظمی فاضل (طاب ثراه) می گویند :

مفسری که می خواهد مراد خداوند تبارک و تعالی را کشف کند باید از ظواهر قرآن پیروی کند همان ظواهری که فرد آگاه به زبان فصیح و صحیح عربی می فهمد نیز باید پیروی کند از حکم عقل فطری صحیح که چنین عقلی مرجع اثبات توحید و یگانگی حق تعالی است و نیز اعجاز بودن کتاب را در می یابد و شکی در اعتبار این عقل نمی باشد. ملاک سومی که مفسر باید بر محور آن به تفسیر قرآن بپردازد استناد به نظراتی است که از معصومین (علیهم السلام) از پیامبر (ص) و ائمه (ع) - در مقام بیان مراد و مقصود خداوند تعالی بیان شده است . این سه ملاک و معیار اصول تفسیر می باشند.

مقصود از لزوم اخذ به ظاهر قرآن - که برخلاف نظر برخی از اخباری ها - حجت و معتبر می باشد همان ظاهری است که انسان آگاه به زبان عربی صحیح و فصیح از لفظ می فهمد و این در صورتی است که قرینه ای عقلی و یا نقلی معتبر برخلاف آن دلالت نداشته باشد. مثلا آیه شریفه « وجا ربک والملك صفاصفا » و آیاتی دیگر از این دست از آیاتی می باشند که قرینه عقلی قطعی دلالت دارد مراد از آنها معنای خلاف ظاهر آنها می باشد. همینطور است آیاتی که برخلاف عموم و اطلاق آنها که دلالتی دارند منحصص و مقیدهایی معتبر برخلاف ظاهرشان دلالت کند و نتیجه این می شود که ظاهر عموم و اطلاق تنها در غیر مورد تخصیص و تقیید مراد است و حجت می

باشد.

مؤلف محقق برای اثبات حجیت ظواهر قرآن به اقامه ادله زیر پرداخته است :

۱ - شکی نیست که قرآن نازل شده است تا مردم معانی آن را دریابند و در آیات آن تدبر نمایند و اعمال خود را مطابق دستورات آن قرار دهند و عقائد و باورهای خویش را موافق عقائد صحیحی که قرآن بر آن دلالت دارد قرار دهند. روشن است که شارع اسلام برای خویش در فهماندن مقاصد خود راهی ویژه قرار نداده بلکه براساس همان روش متداول و متعارف در فهماندن مقاصد و هدف ها از راه الفاظ و عبارات ؛ با مردم سخن گفته است . با این حال چاره ای جز این نیست که گفته شود ظواهر قرآن مانند ظواهر دیگر کتابهایی که برای ارائه اهدافی پدید آمده اند اعتبار داشته باشد . چگونه نباشد در حالی خود قرآن مردم را به تدبر در آیاتش برمی انگیزد (نسا۸۲) و از عدم تدبر در قرآن اعتراض کرده است (محمد۲۴)

۲ - قرآن تنها معجزه جاودانه برای نبوت و رسالت پیامبر(ص) است و همه بشر - از اولین و آخرین - و حتی اجنه را به مبارزه طلبیده تا ده اگر عرب به معانی قرآن آگاه نمی بود و مقاصد قرآن را از آیات و[و الهی نبودن قرآن را ثابت کنند]سوره یا یک سوره مانند آن را بیاورند الفاظ آن نمی فهمید و قرآن غیرقابل شناخت می بود و جهی نداشت که متصف به اعجاز گردد و دیگر ممکن نبود مخالفان خود را به مبارزه بطلبند.

۳ - حدیث ثقلین که در میان شیعه و سنی معروف است دلالت دارد که لازم است به قرآن و عترت تمسک شود و تنها راه خارج شدن از گمراهی و راه منحصر برای گرفتار نشدن به گمراهی تمسک به قرآن و عترت است . روشن است که معنای تمسک به قرآنی که یکی از ثقلین است تنها همان اعتقاد به اینکه از سوی خداوند نازل شده و دلیل پیامبری و برهان بر راستگویی پیامبر(ص) است نمی باشد. بلکه معنای تمسک به قرآن عمل به اوامر و نواهی و دیگر آموزه های آن مانند استناد به قرآن در سرگذشت امت های گذشته می باشد. وقتی قرآن پیشوا و رهبری شد که پیروان خود را به سوی بهشت می برد این وصف با عدم حجیت ظاهر آن قابل جمع نمی باشد.

۴ - روایات متواتر و فراوانی دلالت دارند که باید احادیث و اخباری که به دست آیندگان می رسد بر قرآن عرضه گردد و آنچه مخالف قرآن است را باید دور انداخت . روشن است که تعیین حدیث مخالف قرآن و تشخیص آن از

احادیث موافق قرآن به خود مردم موکول شده است که لازمه این معنا حجیت ظواهر قرآن برای مردم است .

به قرآن [در مقابل مخالفین و یا برای تفهیم احکام و معارف دین ۵] - روایات فراوانی دلالت دارند که ائمه (علیهم السلام) در موارد زیادی استدلال می کردند.

مؤلف محقق مدخل التفسیر معیار دوم برای تفسیر آیات قرآن کریم را « نظر معصوم (علیه السلام) » می داند :

هیچ ایراد و اشکالی نیست که سخن معصوم (ع) - پیامبر(ص) باشد و یا امام (ع) - در مقام کشف مراد خداوند تبارک و تعالی از الفاظ قرآن مجید حجت است چرا که در جای خودش ثابت شده که نظر معصوم حجت می باشد. اینکه سخن پیامبر(ص) برای فهم آیات و اما امام(ع) سخنش حجت است زیرا طبق خود قرآن تبیین آیات الهی توسط پیامبر انجام می شود [قرآن حجت باشد که روشن است زیرا او یکی از تقلینی است که به ما دستور داده شده تمسک به آن دو داشته باشیم .

چه تفسیر آیات [در همین فصل پیرامون تفسیر قرآن با خبر واحد می خوانیم : در اینکه با خبر واحد می شود به تفسیر قرآن پرداخت جای بحث و مناقشه نمی باشد. بله در اینکه آیا عموم قرآن را می شود با خبر واحد تخصیص زد [الاحکام و چه تفسیر آیات معارفی نظرات متفاوت است و در علم اصول بدان پرداخته شده است . ولی تنها گروهی از علمای اهل سنت می گویند با خبر واحد نمی شود عموم قرآن را تخصیص زد - که تازه در میان این گروه هم نظرات گوناگون است و همه هم داستان نیستند - و ادله آنها بر مدعایشان واضح البطلان است . البته همه علما اتفاق دارند که با خبر واحد نمی شود آیات قرآن را نسخ نمود.

معیار سوم برای تفسیر قرآن حکم عقل است . مؤلف می گویند : ایراد و اشکالی در این نیست که حکم قطعی عقل و ادراک جزئی آن از اموری است که جزو اصول تفسیر قرآن می باشند. در نتیجه اگر عقل چنین حکمی و ادراکی داشته باشد و ادراک عقل بر خلاف ظاهر قرآن باشد چاره ای جز پابندی به حکم عقل نمی باشد و نباید در چنین مواردی به ظاهر آیات اخذ کرد. زیرا اساس اعتبار قرآن و اینکه این کتاب معجزه ای است که صداقت و راستگویی آورنده آن را دلالت دارد؛ عقل می باشد که رسول باطنی خداوند است و نمی شود با حکم آن و وحی و هدایت آن مخالفت و ناسازگاری داشت . در حقیقت حکم قطعی عقل بر خلاف ظاهر آیات قرآن به مثابه قرینه

متصل لفظی برای آن آیات می باشد و ظهور را در معنای مجازی منعقد می سازد. زیرا آن ظهوری که حجت است اختصاص به معنای حقیقی [به کمک حکم و ادراک عقل] الفاظ و جملات ندارد چرا که « اصله الحقیقه » خود قسمی از « اصله الظهور » است بنابراین ظهور آیه ای سبب انعقاد ظهور در معنای مجازی می شود و همان حجت است.

به بیانی دیگر « اصله الظهور » که به معنای اصالت تطابق اراده جدیه با اراده استعمالیه و اینکه مقصود واقعی از کلام همان است که دلالت و ظهور لفظ در معنای حقیقی و ظهور لفظ به کمک قرینه لفظی یا عقلی در معنای [ظاهر لفظ بر آن دلالت کند؛ در هر دو صورت جاری است و هیچ تفاوتی میانشان وجود ندارد.] مجازی

در بخش « عدم تحریف الكتاب » نخست معانی تحریف و مردود بودن آنها سپس مذهب و نظر شیعه امامیه مبنی بر عدم تحریف قرآن که جملگی برآند مورد بحث قرار گرفته و در فرجام ادله عدم تحریف قرآن و ایرادهایی که قائلین به تحریف می گویند مورد بحث و بررسی استدلالی و تفصیلی قرار گرفته است.

مؤلف بزرگوار مدخل التفسیر سبب تفصیل بیشتر این بحث را چنین ذکر می کند: از آنجائی که مساله تحریف قرآن از مسائل مهم مربوط به قرآن است ضرورت دارد که پرداختن بدان پردامنه باشد تا هرگونه شک و شبهه را بزداید.

ایشان به این نکته ظریف توجه می دهند که: « ظاهرا دست های پلید پنهان و برنامه های کینه ورزانه علیه السلام عقیده باطل تحریف قرآن را دامن می زنند که البته اهداف آنها بر اهل اطلاع پنهان نمی باشد! درباره نظر شیعه پیرامون مسئله تحریف می خوانیم:

عقیده معروف در میان مسلمانان این است که قرآن تحریف نشده است نه هیچ چیزی به قرآن افزوده شده و نه چیزی از آن کاسته همه قرآنی است که بر رسول امی (ص) نازل شده است و بزرگان از علما شیعه [به نام قرآن در دست ما است] شده است. و تحقیقا آنچه امامیه و اعلام آنها - از گذشته تاکنون - تصریح کرده اند تحریفی در قرآن کریم واقع نشده است.

سپس صاحب مدخل التفسیر به ادله قائلین به عدم تحریف قرآن پرداخته که بدانها اشاره می شود:

۱ - آیه ۹ سوره حجر که خداوند می فرماید « انا نحن نزلنا الذكر و اناله لحافظون » ایشان به مناقشات پاسخ می دهند و نتیجه می گیرند که منظور از « ذکر » قرآن کریم است نه چیز دیگر. همچنانکه به سخنان صاحب فصل الخطاب جواب شافی و کافی می دهند. و در ادامه به مناقشات کسانی که این آیه را دلیل عدم تحریف نمی دانند نیز پاسخ داده اند. و به این نکته باریک توجه می دهند که : درست است که قرآن خود حافظ خویش است از آنجا که از استحکام مطالب متانت و استواری معانی و والائی مقاصد و اهداف برخوردار است ولی این آیه شریفه علاوه بر حفظ بدین صورت می گوید قرآن به حافظ دیگری نیز نیاز دارد که او همان خدایی است که نازلش فرموده است .

۲ - آیه ۴۱ - ۴۲ سوره فصلت « و انه لكتاب عزيز لا ياتيهِ الباطل من بين يديه و لا من خلفه تنزيل من حكيم حميد » هیچ پنهان نیست که این آیه شریفه ظهور در این معنا دارد که در این کتاب عزیز هیچ قسم از اقسام باطل راه نفوذی ندارد. چرا که روشن است وقتی نفی بر طبیعت معرفه بوسیله لام جنس وارد شود افاده عموم می کند و شامل همه انواع اصناف و افراد آن می شود. نتیجه اینکه باطل در ضمن هر نوع تحقق یابد و در هر صنفی حاصل شود و در ضمن هر فردی یافت شود از قرآن کریم فاصله بسیار دارد به نحوی که به او نمی رسد. و روشن است که تحریف از واضح ترین مصادیق و ظاهرترین اصناف باطل است و آیه شریفه هم آن را از قرآن نفی می کند و خبر می دهد که تحریف از قرآن دور است .

۳ - آنچه علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان فرموده است و حاصل آن به نحو اختصار این است که : از ضروریات تاریخ این است که پیامبر(ص) چهارده قرن قبل به سوی مردم آمد و ادعای پیامبری کرد و کتابی آورد که قرآنش می خواند و به پروردگارش نسبت می داد و بدان مبارزه می طلبید و آن را نشانه پیامبری خود می شمرد؛ و این قرآنی که امروزه موجود است همان قرآنی است که آن حضرت (ص) آورد و بر مردم خواند. این امور هیچ قابل شک و تردید نیست و انسان سالم به لحاظ عقلی در آن شک نمی کند. براین قرآن روح توحید حاکم است و در همه آیات و سوره آن این روح توحید سریان دارد و نیز قرآن خودش را « ذکرالله » می نامد. قرآن خدا را به یادها می آورد چرا که قرآن نشانه ای است که به خدا رهنمون می کند و خدا را به اسما حسنی و صفات علیا توصیف می کند و سنت الهی را در صنع و ایجاد و آفرینش توصیف می کند ملائکه کتاب های آسمانی پیامبران خدا و شرایع و

احکام و هر آنچه مسئله آفرینش بدان برمی گردد را توصیف می کند و هر آنچه به خوشبختی و تیره روزی مردم و بهشت و جهنم مربوط است را به تفصیل دربردارد. در همه اینها یاد خدا وجود دارد و قرآن بدان رهنمون است و ما می یابیم قرآنی که در دستان ما است هیچ از « ذکر » و یاد خدا بودن کم ندارد.

۴ - حدیث ثقلین نیز بر عدم تحریف قرآن دلالت دارد. چرا که لازمه قول به تحریف قرآن این است که تمسک به قرآن ممکن نباشد در حالی که این حدیث متواتر در میان شیعه و سنی دلالت دارد این امکان تا قیامت وجود دارد.

۵ - روایات مستفیضه بلکه متواتره ای که از پیامبر(ص) و عترت طاهره (ع) رسیده و دلالت دارند روایات و احادیث روایت شده از آنان را باید بر قرآن عرضه داشت و هر آنچه که موافق قرآن بود را پذیرفت و غیر از آنها را دور ریخت. و همچنین روایاتی که دلالت دارند معصومین (ع) در موارد متعددی به قرآن استدلال می کردند. لازمه این جایگاه برای قرآن و ملاک و معیار بودن آن برای اعتبار روایات عدم تحریف آن است و باید دانست قرآنی که در زمان ائمه (ع) بود همین قرآنی است که در دست ما می باشد و آنها به همین قرآن استدلال کردند و می فرمودند احادیث را بر همین قرآن عرضه بدارید.

۶ - احادیث فراوانی که احکام یا فضائل ختم قرآن را دربردارند. و بالاتر اینکه واجب است سوره کامل قرآن در هر رکعت از نماز واجب خوانده شود و جایز است در نماز آیات یک سوره تقسیم شود. روشن است که اصل این حکم در شریعت با تشریح نماز ثابت بود. پس همین سوره ها در زمان پیامبر(ص) در دست مسلمانان بود و هیچ تحریفی در آنها واقع نشده است. و کسی که می گوید قرآن تحریف شده است باید به اموری ملتزم شود که نمی شود بدانها ملتزم شد و ادعای آنها به هیچ روی صحیح نمی باشد.

۷ - قرآن اگر تحریف شده باشد یا بایستی در زمان خلیفه اول و دوم تحریف شده باشد و یا در زمان خلیفه سوم و یا بعد از دوره خلفا این امر واقع شده باشد که هیچ یک از این فرض ها درست نیست.

با این ادله هفت گانه واضح می شود که مدعی تحریف قرآن علاوه بر اینکه مخالف ادله نقلیه است که با بداهت عقل نیز به ضدیت پرداخته است. مولف عالیقدر مدخل التفسیر در بخش پایانی کتاب شبهات قائلین به تحریف را

بررسی و پاسخ داده است . امید آنکه همه محققان و قرآن دوستان از مطالب تحقیقی و عالمانه این اثر ارزنده استفاده کامل را ببرند و متفرقات آثار قرآنی استاد بزرگ حوزه علمیه فقیه عالی مقام مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رضول الله علیه) جمع آوری و تدوین و انتشار یابد.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در کنار اهتمام و اشتغال مستمر به فقه آل محمد(ص) و پدید آوردن آثار فقهی غنی مشتاق معارف قرآن بود و به همین دلیل کتاب شریف « مدخل التفسیر » را تحقیق و تالیف نمود. این فقیه بزرگوار همواره آرزو می کرد توفیق تفسیر قرآن کریم را نیز به دست آورد

حقیقت معجزه وجوه اعجاز قرآن شبیهات مربوط به اعجاز قرآن قاریان قرآن و قرائت ها اصول تفسیر عدم تحریف قرآن و شبیهات مربوط به تحریف از عناوین اصلی کتاب ارزشمند « مدخل التفسیر » می باشند